

مجله اقتصادی

شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صفحات ۱۵۲-۱۲۵

بررسی رابطه فساد اقتصادی و نقش نامطلوب آن بر وضعیت اقتصادی و اداری کشور

هادی راشدی

دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

hadirashedi97@gmail.com

مهسا بی‌نوایی

دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

mahsabinavaei@gmail.com

فساد اقتصادی و مالی از مشکلات بسیار جدی است که امروزه در سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های گوناگون مشاهده می‌شود و می‌توان گفت خود مسئله‌ای جهانی است. فساد توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی و درآمدها، برقراری عدالت اجتماعی و افزایش رفاه عمومی، حذف انحصارطلبی، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد نظام اداری سالم را تحت تأثیر قرار داده و سبب کاهش کیفی سرمایه اجتماعی کشور می‌گردد. از این رو همواره در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان جمهوری اسلامی ایران مبارزه با فساد مورد توجه قرار گرفته است. دور شدن از اخلاقیات و پراهمیت‌گردیدن مادیات موجب افزایش روزافزون فساد در دنیای اقتصاد شده است. در این مقاله سعی شده مسئله فساد و عواملی که به آن فساد اقتصادی می‌گویند، مورد بررسی قرار گیرد و همچنین پیامدها و نتایجی که فساد در پی خواهد داشت مطرح می‌شود، از جمله مسائل مهمی که می‌بایست در برنامه‌ریزی شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادها مورد توجه قرار گیرد، راه‌های مبارزه با این آفت جامعه و ریشه‌کن کردن آن است که سعی گردیده در این مقاله بررسی قرار گیرد. واژگان کلیدی: فساد اقتصادی؛ آفت‌های مالی اداری؛ پیامد فساد؛ مبارزه با فساد مالی

۱. مقدمه

فساد پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است و اشکال، عوامل و کارکردهایی متنوع در زمینه‌های مختلف دارد. پدیده فساد، از یک عمل کوچک خلاف قانون گرفته تا عملکرد نادرست یک نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را شامل می‌شود. در نتیجه، تعریف فساد، از اصطلاحات گسترده «سوءاستفاده از قدرت عمومی» و «فساد اخلاقی» گرفته تا تعریف‌های قانونی خاص فساد به‌عنوان «عمل رشوه‌خواری»، که یک کارمند دولتی مرتکب می‌شود یا «مبادله منابع محسوس»، همه را در برمی‌گیرد (ینس و همکاران^۱، ۲۰۰۰).

ارائه تعریفی واحد، کامل و جامع از اصطلاح «فساد اقتصادی»، کاری بسیار سخت و دشوار است؛ زیرا گذشته از آنچه در بند پیشین مطرح شد، فساد اقتصادی، یک شیء، رفتار، یا نهاد نیست که بتوان مصادیق آن را نشان داد و به‌سادگی آن را تعریف کرد؛ بلکه مفهومی است که مصادیق آن را تنها در «نمود»های آن می‌توان یافت و از طریق نشانه‌ها و عوارضش آن را شناخت. همچنین فساد اداری، ابعاد مختلفی دارد و اندیشمندان و برنامه‌ریزان امور سیاسی و اداری با رویکردهای مختلف و رقیب هم به مطالعه آن پرداخته‌اند. بنابراین، هر تعریفی را که در نظر بگیریم، یا کاملاً در مقابل تعریف‌های دیگر قرار دارد یا ناظر به یک یا تعدادی محدود از ابعاد این پدیده است؛ از این‌رو، نمی‌تواند بیانگر تمامی ویژگی‌ها و مشخصات آن باشد و آن را کاملاً از پدیده‌ها و مفاهیم نزدیک به آن متمایز سازد. بدین ترتیب، بدون درگیر شدن با تعاریف مختلف این اصطلاح، مستقیماً به تعریف موردنظر می‌پردازیم، اما پیش از آن، معنای لغوی واژه فساد و معادل انگلیسی آن را از نظر می‌گذرانیم.

واژه «فساد» از ریشه «فسد» به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، «Corruption» از ریشه لاتینی «corruptus»، به معنای شکستن و نقض کردن است. چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد [تانزی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲].

1. Jens Chr & Odd-Helge Fjeldstad

تعریف عام و کلی بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد اداری، تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده، عبارت است از: سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع خصوصی، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی (بانک جهانی، ۱۹۹۷).

۲. اشکال فساد اداری

فساد اداری، مظاهر و شکل‌های زیادی دارد که برخی از آن‌ها عمومی و جهانی‌اند و برخی نیز برخاسته از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع هستند و از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند. پژوهشی که در این زمینه انجام شده، برخی از اشکال و مظاهر اصلی فساد را بر اساس تعدادی از ویژگی‌ها مشخص کرده است (آموندسن^۱، ۱۹۹۹).

۲-۱. رشوه^۲

رشوه، وجهی (پول یا اشیای دیگر) است که طی یک رابطه آلوده و فاسد گرفته یا داده می‌شود. نفس گرفتن یا دادن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد دانست. رشوه مبلغ ثابت، درصدی خاص از یک قرارداد، یا هر نوع مساعدت پولی دیگر است که معمولاً به مأمور حکومتی پرداخت می‌شود.

واژه‌های مترادف زیادی برای واژه «ارتشا» وجود دارد؛ مانند پورسانت، کمیسیون، پاداش، بخشش، شیرینی، انعام، پول چایی و رایگانی که همگی بیانگر نوعی فساد مرتبط با پول، و مزایایی هستند که به کارکنان شرکت‌های خصوصی، مأموران حکومتی یا سیاستمداران پرداخت می‌شود. این‌ها پرداختی‌هایی هستند که برای انجام سریع‌تر، راحت‌تر یا مطلوب‌تر کارها و خواسته‌ها در لایه‌های حکومت و نظام بوروکراسی داده یا گرفته می‌شوند (ینس و همکاران، ۲۰۰۰).

۲-۲. اختلاس^۳

اختلاس، دزدیدن منابع توسط افرادی است که بر این منابع دست دارند؛ و زمانی اتفاق می‌افتد که کارمندان خائن، به سرقت این منابع از کارفرمایان خویش اقدام می‌کنند. این پدیده زمانی بسیار

1. Amundsen
2. Bribery
3. Embezzlement

اهمیت پیدا می‌کند، که کارمندان بخش عمومی، از نهادهای عمومی‌ای که در آن استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آن‌ها استفاده کنند، اقدام به دزدی نمایند. اختلاس، از نظر صریح قانون، فساد اداری به شمار نمی‌آید؛ بلکه در تعریفی گسترده‌تر از فساد می‌گنجد. از نظر قانونی، فساد اداری عبارت است از مبادله بین دو فرد که یکی عامل حکومتی و دیگری شهروند است، در جایی که عامل حکومتی، فراتر از محدودیت‌های قانونی و مقرراتی می‌رود تا منفعت شخصی خودش را در شکل رشوه تأمین کند؛ اما اختلاس، دزدی قلمداد می‌شود؛ زیرا در آن، طرف شهروند وجود ندارد. وقتی اختلاس صورت می‌گیرد، منافع عمومی به خطر می‌افتد؛ اما هیچ دارایی شخصی سرقت نمی‌شود و شهروندان، از حقوق قانونی برای محاکمه برخوردار نیستند (همان).

۳-۲. کلاهبرداری^۱

کلاهبرداری جرمی اقتصادی است که دربردارنده برخی از انواع حيله‌گری، خدعه و فریب است. کلاهبرداری، دستکاری یا تحریف اطلاعات، واقعیت‌ها و تخصص توسط مأموران بخش عمومی است که واسطه بین سیاستمداران و شهروندان‌اند و به دنبال کسب منافع شخصی می‌باشند. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که یک مأمور بخش عمومی (عامل) که مسئول انجام دستورها و وظایف محوله از جانب مافوقش است، جریان اطلاعات را به سمت منفعت شخصی خودش دستکاری می‌کند. کلاهبرداری، واژه‌ای حقوقی و عام است که پدیده‌هایی بیشتر از رشوه و اختلاس را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ مثلاً وقتی عاملان و نمایندگان دولتی درگیر شبکه‌های تجاری غیرقانونی می‌شوند، جعل اسناد می‌کنند، درگیر قاچاق می‌شوند و وارد دیگر جرم‌های اقتصادی سازمان‌یافته می‌گردند، همگی مصداق کلاهبرداری قرار می‌گیرند (همان).

۳-۴. اخاذی یا باج‌گیری

باج‌گیری عبارت است از به دست آوردن پول و اشیای دیگر با استفاده از اجبار، خشونت یا تهدید به استفاده از قدرت. هر جا که پول به صورت خشونت‌آمیز به دست آید، باج‌گیری و اخاذی صورت گرفته است و برای کسی که قدرت انجام آن را دارد، معامله فاسدی به شمار می‌آید.

1. Fraud

چنین فعالیت‌های فاسدی، ممکن است به صورت‌های گوناگون واقع شود؛ یکی اینکه به صورت باج‌گیری از پایین باشد. این نوع باج‌گیری زمانی است که نیروهای غیردولتی برای به دست آوردن امتیازات شغلی، نپرداختن مالیات، و آزادی از مجازات‌های قضایی قادر به اعمال نفوذ بین اعضای دولت و سازمان‌های حکومتی از طریق تهدید، ترساندن و ترور باشند. گاهی ممکن است باج‌گیری از بالا صورت بگیرد؛ جایی که دولت، خود بزرگ‌ترین مافیاست. این مسئله زمانی اتفاق می‌افتد که برای مثال، دولت و به‌طور خاص، سرویس‌های امنیتی و گروه‌های شبه‌نظامی آن، از افراد، گروه‌ها و صاحبان کسب‌وکار پول دریافت کنند. به‌علاوه، کارمندان ادارات مختلف ممکن است از شهروندانی که به‌عنوان ارباب رجوع، مشتری، مریض یا دانش‌آموز مدرسه به دولت مراجعه می‌کنند، زیرمیزی‌ها و هدایایی را اخذ کنند. این اقدام‌ها ممکن است به اشکال غیررسمی مالیات، تعبیر و تفسیر شوند.

۲-۵. پارتی‌بازی

پارتی‌بازی به‌عنوان آخرین شکل فساد، نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که در فرایند خصوصی‌سازی و توزیع جانب‌دارانه منابع دولتی، بدون توجه به اینکه این منابع در محل اول چگونه جمع‌آوری شده‌اند، به کار می‌رود. پارتی‌بازی، تمایل طبیعی انسان به جانب‌داری از دوستان، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده تا جایی که توزیع فسادآمیز منابع را به نمایش می‌گذارد، رابطه‌ای نزدیک با فساد اداری دارد. به عبارت دیگر، پارتی‌بازی روی دیگر سکه فساد اداری است که به انباشت منابع می‌انجامد.

مأمورین حکومتی و سیاستمدارانی که به منابع دولتی و قدرت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع این منابع دسترسی دارند، تمایل شدید به پارتی‌بازی دارند تا امتیازاتی را به افرادی خاص ببخشند. در بسیاری از کشورهای استبدادی و نیمه‌دموکراتیک، پارتی‌بازی یکی از مکانیسم‌های سیاسی اساسی به شمار می‌آید. در بسیاری از نظام‌های غیردموکراتیک، رئیس‌جمهور از حقوق اساسی جهت نصب مقام‌های رده‌بالای نظام برخوردار است. این حق قانونی و عرفی، به صورتی گسترده زمینه را برای پارتی‌بازی فراهم می‌سازد.

۲-۶. خویشاوندسالاری

خویشاوندسالاری شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیر یک اداره اقوام و اعضای فامیل خود (همسر، برادر و خواهر، فرزند، عمو و ...) را بر دیگران ترجیح می‌دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می‌کوشند از طریق قرار دادن اعضای خانواده خود در پست‌های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند.

۲-۷. تصدی بیش از یک شغل

این عنوان یکی از مصادیق فساد است که به‌ظاهر مهم تلقی نمی‌شود، ولی در واقع هم فی‌نفسه جرم محسوب می‌شود و هم به دلیل ایجاد مشغله‌های مختلف برای شخص و عدم امکان ایفای نقش‌های گوناگون، می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب تخلفات و جرائم دیگری شود.

۲-۸. مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی

عبارت است از: انجام معامله با دولت و یا سایر دستگاه‌های مذکور در لایحه قانونی مربوط به منع داخله وزرا و نمایندگان و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشور یا شرکت در داوری دعاوی مربوط به دولت و سایر دستگاه‌های مذکور در قانون از سوی کارمندان دستگاه‌های فوق‌الذکر.

۲-۹. عدم اعلام برخی جرائم مالی به مراجع ذی‌صلاح قضائی

به موجب آن هرگاه هریک از رؤسا یا مدیران و مسئولان سازمان‌ها و مؤسسات از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس، تصرف غیرقانونی، کلاهبرداری در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضائی یا داداری اعلام نمایند، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به انقصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند.

۲-۱۰. اظهارات از روی غرض و برخلاف حق

به موجب آن، چنانچه کارشناسان و داوران در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم نمایند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از ۳ میلیون تا ۱۲ میلیون ریال محکوم گشته و مبلغ یادشده هم به نفع دولت ضبط می‌شود. این جرم بیشتر در فعالیت‌هایی که دارای ماهیت داوری، فصل خصومت و یا حل و فصل اختلاف است مصداق پیدا می‌کند.

۲-۱۱. تضييع اموال و وجوه دولتي

منظور از اين عنوان عبارت است از: حيف نئيل، پايمال شدن و ضايع شدن اموال و وجوه متعلق و يا در اختيار دستگاه‌ها در اثر اهمال يا تفریط کارکنان دستگاه‌های مذکور. اين جرم در مورد عدم استفاده از اموال مستعمل و همچنين در خصوص خريده‌های غير ضروري، خريد کالاهای تجملی و يا کالاهایی با قيمت و شرايط بالاتر و بهتر، با وجود رفع نياز با کالاهای داری قيمت پايين تر صدق می‌کند.

۲-۱۲. تصرف غير مجاز در اموال و وجوه دولتي

عبارت است از استفاده غير مجاز از وجوه يا اموال متعلق و يا در اختيار اشخاص بدون قصد تملک به نفع خود يا ديگری، از سوی کارکنان دستگاه‌ها. همچنين در صورتی که برای انجام امری اعتباری تعيين شود، ولی کارمند دولت زائد بر اعتبار تعيين شده به مصرف برساند، مرتکب جرم مذکور شده است.

۲-۱۳. خيانت در امانت

عبارت است از تصاحب، تلف يا استعمال مال يا وجهی که از طرف مالک يا متصرف قانونی به طور موقت به عنوان امانت و يا به طور کلی به موجب يک رابطه حقوقی به امين سپرده شده است؛ مانند استفاده دستگاه‌های دولتي از وجوه در اختيار مردم برخلاف شرايط قرارداد منعقد.

۲-۱۴. جعل و تزوير

جعل و تزوير اصطلاحاً عبارت است از ساختن نوشته يا سند، ساختن مهر يا امضای اشخاص رسمی يا غير رسمی، خراشيدن، تراشيدن يا قلم بردن، الحاق، محو، اثبات، سياه کردن يا تقديم يا تأخير تاريخ سند نسبت به تاريخ حقیقی يا الصاق نوشته‌ای به نوشته ديگر با به کار بردن مهر ديگر، بدون اجازه صاحب آن و نظاير آن به قصد تقلب.

جعل به دو دسته مادی و معنوی تقسيم می‌شود. جعل مادی عبارت است از قلب حقیقت به وسيله عمل مادی در سند يا نوشته و يا چيز ديگر مانند ساختن سند از ابتدا تا انتها، ايجاد تغييرات در ظاهر و شکل خارجی يک سند، از قبيل خراشيدن، تراشيدن، از ابتدا تا انتها، ايجاد تغييرات در ظاهر و شکل خارجی يک سند، از قبيل خراشيدن، تراشيدن، رؤيت و دارای آثار خارجی است. همچنين

جمل معنوی عبارت است از قلب حقیقت در مفاد و مضمون یک سند یا نوشته که با آثار خارجی همراه نیست.

۳. انواع و سطوح فساد

مطالعه فساد در جوامع مختلف نشانگر آن است که فساد بیشتر در دو سطح صورت می‌گیرد. سطح کلان و سطح خرد. فساد در سطح کلان، بیشتر به نخبگان سیاسی، مدیران عالی‌رتبه و مقامات ارشد دولت‌ها مربوط می‌شود. تعبیر دیگر از این سطح فساد، فساد «یقه سفیدان» است. به همین ترتیب، سطح خرد فساد که به فساد «یقه آبی‌ها» معروف است، عبارت است از مبادلات، معاملات و بده‌بستان‌های فاسدی که در سطح کارمندان رده‌پایین و در ارتباط مستقیم با ارباب رجوع صورت می‌گیرد.

نقش عوامل سیاسی و کلان در ایجاد فساد اداری، بسیار مهم است. بسیاری بر این باورند که فساد، بیشتر در دستگاه دولت، هم در سطح کلان (بین مسئولان عالی‌رتبه) و هم در سطح خرد (بین کارمندان رده‌های پایین) مطرح می‌گردد. بدیهی است بدون کنترل فساد کلان، امکان کنترل فساد خرد وجود ندارد. فساد اداری در رده‌های میانی و پایین نظام اداری، تا حد زیادی به میزان فساد در بین رده‌های بالای نظام، یعنی سیاست‌گذاران و کارمندان عالی‌رتبه بستگی دارد. وقتی بخشی از هیأت حاکمه فاسد باشد، برای دستیابی به درآمدهای فاسد، از یک‌سو به کمک مدیران میانی نیازمند است و از سوی دیگر ناچار است نهادهای حسابرسی و نظارتی، مانند مطبوعات، دستگاه‌های قضایی و سازمان‌های بازرسی را تضعیف کند. در یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده‌های میانی که مرتکب فساد اداری می‌شوند، کمتر نگران کشف جرم و تنبیه‌اند؛ چون غالباً میان مسئولان رده‌بالا و مدیران میانی، نوعی تبانی برای چشم‌پوشی متقابل ایجاد می‌شود. همین امر، مبارزه با فساد را سخت می‌کند. بر اساس رویکرد مبتنی بر تئوری محدودیت‌ها، گلوگاه فساد، فساد اداری در سطح مسئولان عالی‌رتبه است که باید به کنترل آن اولویت داده شود.

۴. نظریه‌ها درباره پیامدهای فساد اداری

ادبیات علمی در زمینه فساد اداری، شاهد دو مکتب رقیب و متعارض در خصوص اثرات فساد بر کارایی و اثربخشی نظام اداری و توسعه اقتصادی است: مکتب کارآمدی «لف، بایلی، هانتینگتون و لوئی^۱» و مکتب ناکارآمدی فساد.

۴-۱. مکتب کارآمدی

مکتب کارآمدی فساد اداری، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد اداری را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌داند و معتقد است که فساد، نقش روغن را برای چرخ‌های خشک نظام بوروکراسی ایفا می‌کند، و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌نماید. بنابراین، طرفداران مکتب کارآمدی، فساد را هزینه کسب و کار می‌دانند که منفعت آن بیش از هزینه آن است. به هر روی، فساد از نظر اثرگذاری، خنثی نیست. ادعاهای زیادی هست مبنی بر اینکه فساد اداری، پدیده‌ای کاملاً بد و منفی نیست و آثار مثبت نیز دارد.

۴-۲. مکتب ناکارآمدی

گرچه مکتب کارآمدی فساد، بر مبنای برخی استدلال‌های تئوریک ارائه شده است، اما نتایج پژوهش‌های بسیاری که در سال‌های اخیر در زمینه اثرات فساد اداری انجام شده، استدلال‌های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می‌کند (علی‌زاده ثانی و فانی).

افزون بر این، در دهه‌های اخیر شواهد فراوانی به دست آمده است که نشان می‌دهد فساد اداری، در تمام زمینه‌ها اثرات نامطلوبی را بر جای می‌گذارد (تئوبالد^۲، ۱۹۹۰). فساد، تأثیری منفی، زیان‌آور و محروم‌کننده بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، عملکرد نظام اداری، و کارایی و توسعه سیاسی کشورها دارد. استمرار و دوام فساد در یک کشور، به بروز مشکلات اقتصادی و برباد رفتن منابع عمومی می‌انجامد؛ کارایی عملکرد دولت را کاهش می‌دهد؛ بر اخلاق عمومی در زمینه خدمات عمومی تأثیر منفی می‌گذارد؛ تلاش‌ها برای اصلاحات اداری و مقیاس‌های حسابرسی را با مشکل مواجه می‌سازد؛ و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را افزایش می‌دهد (سازمان ملل، ۱۹۹۰).

1. Leff NH. Economic Development through Bureaucratic Corruption, The American

2. Theobald

همچنین فساد اداری، بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی سیاسی را افزایش می‌دهد (اوما^۱، ۱۹۹۱). به طور خلاصه، فساد مانع رشد اقتصادی می‌شود؛ شور کارآفرینی را فرو می‌نشاند؛ باعث سوءاستفاده از منابع کمیاب ملی می‌گردد؛ توانایی‌های اداری را ضعیف می‌سازد؛ به فروپاشی سیاسی کمک می‌کند؛ و ثبات، دموکراسی و انسجام ملی را از بین ویران می‌سازد (محببت خان^۲، ۲۰۱۰).

۵. چارچوب یا مدل تحلیلی تحقیق

در زمینه فساد اداری و راهکارهای مبارزه با آن، رویکردها و چارچوب‌های تحلیلی مختلف وجود دارد. هریک از این رویکردها، مزایا و معایب خاص خود را دارد که در این گفتار، جای بحث درباره آن نیست. چارچوب نظری مورد استفاده ما در این پژوهش، «تئوری محدودیت‌ها» است که ایده اصلی آن بر مدیریت گلوگاه‌ها استوار است. این نظریه به منظور رسیدن به بهینگی در افزایش بهره‌وری و سوددهی، کاهش ضایعات و زمان پرت و هزینه‌های زائد، حداکثر کردن کارایی و کارآمدی، مطرح شد.

به موجب تئوری محدودیت‌ها، هر سیستم، دست کم دارای یک محدودیت است که سیستم را از رسیدن به سطوح بالای عملکرد بازمی‌دارد. بر اساس این تئوری، بیشتر معلول‌های نامطلوب سیستم، از تعداد اندکی علت اصلی تأثیر می‌پذیرد و در درازمدت باید به حذف علت‌های اصلی مشکل پردازیم. بر اساس این تئوری، مبارزه با فساد اداری زمانی جواب‌گوست که بکوشیم گلوگاه‌های فساد اداری را در جامعه و نظام اداری مشخص کنیم و راهکارها را معطوف به آن‌ها شناسایی و ارائه نماییم.

مدل تحلیلی تحقیق بر مبنای تئوری محدودیت‌ها این است که تلاش می‌شود ابتدا عوامل کلیدی و گلوگاه‌های فساد اداری بازشناسی شود؛ سپس با مطالعه در منابع دینی و ارزشی، راهکارهای مبارزه با این عوامل کلیدی ارائه و تحلیل خواهد شد.

اگر بخواهیم به علل و عوامل رواج فساد مالی اشاره کنیم باید گفت، اقتصادهای از بالا هدایت شده یکی از پایه‌های پرورش رشوه‌خواری و فساد مالی است، تجربه کشورهای جنوب آسیا مؤید آن است همچنین اگر مدیران قدرت فراوان داشته باشند و در عین حال فقیر باشند تمایل به فساد

1. Ouma
2. Mohabbat khan

مالی تشدید می‌شود یکی دیگر از علل گسترش فساد خاصیت مسری بودن آن است در تحقیق و بررسی که پارلمان ایتالیا در سال ۱۹۹۳ درباره فساد مالی مافیا انجام داده است مشخص شد اعتقاد به اینکه دیگران هم همین کار را می‌کنند یکی از دلایل مکرر فساد مالی بوده است رفتار مبتنی بر فساد در بین مقامات بالا تأثیری فراتر از پیامدهای مستقیم ناشی از آن رفتار دارد، لذا سرنخ فساد را باید بین مقامات بالا جستجو کرد.

برای مبارزه با فساد چه می‌تواند کرد؟ با اصلاح ساختارهای سازمانی و قوانین این مکان وجود دارد که تعادل بین منافع و ضررهای ناشی از رفتار مبتنی بر فساد مالی را جرح و تعدیل کرد اصلاحات ساختاری در حوزه‌هایی چون مالیات، قوانین معاملات خصوصی و توسعه پروژه‌های زیربنایی تحت مسئولیت دولت، ضروری است اصلاحات نهادی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی بخش دولتی و کمک به سازمان‌های مستقل ضرورت دارد دولت‌ها باید در این راستا در ایجاد ساختارهای نهادی مورد نیاز رشد عادلانه تردید نکنند. در چین قدیم به بسیاری از بروکرات‌ها حق نیفتادن به دام رشوه‌خواری و فساد مالی پرداخته می‌شد که آن را یانگ - سین می‌نامیدند تا انگیزه اطاعت از قانون و سلامت نفس آنان تقویت شود این اقدام و دیگر اقدامات مشابه ترغیبی می‌تواند کارایی داشته باشد اما به سختی می‌توان به انگیزه‌های صرف مالی مانع رشد فساد مالی شد فراتر از این، نیاز به تمرکز روی الگوها و ارزش‌های غالب ضرورت دارد به عبارت دیگر برای درک کامل چالش فساد مالی باید فرضیه‌ای که ارزش‌ها و هنجارها را نادیده می‌گیرد و نتیجه می‌گیرد که صرفاً منافع افراد آنان را به سمت فساد مالی سوق می‌دهد را کنار بگذاریم وجود نظام‌های شفاف قوانین و مجازات به همراه اقدام‌های جدی می‌تواند از جمله ارزش‌هایی باشد که شخص آن را محترم می‌شمارد احترام به این گونه ارزش‌های حکم‌حصاری در برابر فساد مالی را دارد فساد مالی طاعون دموکراسی است پس باید قبل از اینکه شروع شود متوقف شود.

۶. معرفی شاخص‌های فساد

در سال‌های اخیر بیشترین توجه در کشورها به آثار اقتصادی فساد، معطوف شده است. در این ارتباط عده‌ای در مطالعات مختلف نشان داده‌اند که عوامل اصلی که فساد را در جامعه افزایش می‌دهند عبارتند از: بوروکراسی، سطح دستمزدهای بخش دولتی، نقش قوانین، خصوصاً قوانین ضد فساد، در دسترس بودن منابع طبیعی، درجه رقابت، تجارت آزاد و همچنین سیاست صنعتی کشورها.

در مقابل عده‌ای دیگر توجه خود را به آثار و عواقب فساد متمرکز کرده‌اند، به عبارت دیگر در گزارش‌های خود نشان داده‌اند، فساد بر روی رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نابرابری درآمد و فقر مؤثر است. همچنین این گروه نشان داده‌اند که فساد بر کارایی اقتصاد، عدالت و رفاه اثر داشته است. بر اساس اعتقاد برخی از اقتصاددانان بستر مناسب فساد در اکثر کشورهای «تجارت و سیاست» است. این عده فساد با درجه بالا را با یک اثر منفی مانند «گریس در چرخ‌های اقتصادی»^۱ تعریف کرده‌اند.

فساد یک پدیده جدیدی نیست. ۲۰۰ سال قبل یکی از مسئولین کشور هندوستان کتابی در زمینه فساد نوشته بود. همچنین دانت و شکسپیر در زمینه فساد مطالب زیادی گفته‌اند. در بسیاری از کتب و مقالات سده‌های گذشته نیز روش‌های مبارزه با فساد به چشم می‌خورد. طبق تعریفی که در سال ۱۹۹۳ میلادی برای اولین بار توسط شیلفر و وشینی^۲ ارائه شده است، فساد عبارت است از: استفاده از اموال دولتی در جهت نفع شخصی. در خصوص هشدار از خیانت به بیت‌المال می‌توان به نامه شماره ۲۰ حضرت علی (ع) به «زیاد بن ابیه» جانشین فرماندار بصره اشاره کرد که حضرت فرمود: «همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، در مانده و خوار سرگردان شوی.» بنابراین حفظ بیت‌المال و سوءاستفاده از امکانات مالی دولتی تحت هر شرایطی در حکومت علی (ع) مورد تأکید فراوان بوده است.^۳ در این مقاله تلاش شده است روش‌های اندازه‌گیری فساد مورد بررسی قرار بگیرد.

سازمان بین‌المللی^۴ (TI) با هدف مبارزه با فساد تأسیس شد.^۵ این سازمان به صورت هر دو سال یک بار کنفرانسی با عنوان (IACC)^۶ شفافیت برگزار می‌کند. اولین کنفرانس در سال رابطه مبارزه با فساد در سال ۱۹۸۱ با ۳۰ نماینده از کشورهای مختلف جهان در آمریکا و دهمین و آن در سال

1. Greasing the WheelS

2. Sheifer & Vishny

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص مسائل مربوط به حفظ بیت‌المال رجوع شود به: نهج البلاغه ترجمه مرحوم شادروان محمد دشتی

مؤسسه فرهنگی تحقیقات امیرالمؤمنین خطبه‌ها و نامه‌های حضرت امیر (ع) قم تابستان ۱۳۷۹.

4. Fransparency Internationl

۵. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: WWW.Transparency.org

6. International Anti- Corruption Conferanse.

۲۰۰۱ و ۱۶۰ نماینده از کشور مختلف جهان در چک برگزار شد. شاخص فساد اولین بار توسط سازمان بین‌المللی شفافیت (TI) در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. این سازمان شاخص فساد را مانند سایر متغیرهای اقتصاد اندازه‌گیری و معرفی کرد. شاخص فساد و یا CPI^۱ میزان فساد را از صفر تا ۱۰ نشان می‌دهد. بر اساس این شاخص صفر بیشترین فساد و ۱۰ کمترین فساد را نشان می‌دهد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱ فنلاند با ۹/۹ پاک‌ترین کشور و بنگلادش با ۰/۴ بیشترین فساد را در بین کشورهای مختلف جهان به خود اختصاص داده‌اند.

این سازمان در سال ۲۰۰۷ برای ۱۸۰ کشور جهان شاخص فساد بررسی کرده است در این سال کشور دانمارک، فنلاند و سنگاپور با شاخص عددی یک و بالاترین نمره از ۱۰ یعنی نمره ۹/۴ دارای کمترین میزان فساد بوده‌اند. کشورهای برمه و سومالی با شاخص‌های عددی ۱۷۹ و نمره ۱/۴ از ۱۰ در پایین‌ترین رده قرار گرفته‌اند جمهوری اسلامی ایران با شاخص عددی ۱۳۱ و نمره ۲/۵ از ۱۰ دارا بوده است این شاخص برای کشور شاخص مناسبی برای دستیابی به توسعه که مد نظر دولت در چشم‌انداز بیست ساله کشور است نیست. و شاید عامل اساسی در رشد و توسعه اقتصادی کشور تلقی شود. افغانستان با شاخص عددی ۱۷۲ و نمره ۱/۸ از ۱۰ این کشور را نزدیک به چاد و سودان قرار داده است. کشورهای تاجیکستان آذربایجان، بلاروس، قرقیزستان، لیبیا و زیمبابوه دارای شاخص عددی ۱۵۰ می‌باشند که دارای وضعیت مناسبی نیستند.

در میان کشورهای خاورمیانه، قطر با شاخص ۳۲ دارای کمترین میزان فساد، و عراق با شاخص ۱۷۸، دارای بیشترین میزان فساد مالی و اداری در حوزه اقتصادی است.^۲

بر اساس گزارش‌های بانک جهانی از سال ۱۹۹۰ تاکنون کتب و مقالات متعددی به ۴۴ زبان مختلف دنیا در زمینه فساد در سطح جهان به چاپ رسیده است که از این بین ۵۰ درصد انگلیسی، ۱۳ درصد فرانسه، ۱۱ درصد اسپانیایی، ۵ درصد چینی و ۱۷ درصد به سایر زبان‌های دنیا بوده‌اند.

1. Corruption percentions Index

۲. در میان سایر کشورهای خاورمیانه امارات متحده عربی رتبه ۳۴، بحرین ۴۶، عمان ۵۳، اردن ۵۳، کویت ۶۰، عربستان سعودی ۷۹، لبنان ۹۹، ایران ۱۳۱، یمن ۱۳۱، لیبی ۱۳۱، سوریه ۱۳۸ و عراق ۱۷۸ دارا هستند. کشورهای شفاف مانند سوئیس ۷، کانادا ۹، بریتانیا ۱۲، آلمان ۱۶، ژاپن ۱۷، فرانسه ۱۹، آمریکا ۲۰، ترکیه ۶۴، چین ۷۲، هند ۷۲ و روسیه ۱۴۳ رتبه را به خودشان اختصاص داده‌اند.

امروزه بیش از ۱۴ مرکز مختلف در سطح بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات مختلف در زمینه محاسبه شاخص فساد مالی مشغولند.

شاخص CPI طرف عرضه فساد را نشان می‌دهد. بنا بر همین سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۱۹۹۹ با بررسی بر روی ۱۹ کشور شاخص دیگری به نام BPI^۱ را معرفی کرده است. همان‌طور که از نام این شاخص مشخص است، پرداخت کنندگان رشوه مدنظر است. شاخص BPI بر خلاف CPI طرف تقاضای فساد را اندازه‌گیری می‌کند، نکته حائز اهمیت در این باره اندازه فساد است به عبارت دیگر وجود فساد مدنظر نیست. به نظر بعضی از اقتصاددانان در همه کشورها فساد وجود دارد ولی در درجه فساد در بین کشورها با هم متفاوت است. مقادیر عددی این شاخص‌ها نیز همگی درجه و اندازه فساد را نشان می‌دهند. درجه فساد برای کشورها مانند یک سرطان تعریف شده است که اگر دیر شود و به عنوان یک پدیده سیستماتیک در تمام ابعاد رسوخ کند مبارزه با آن امکان‌پذیر نیست. جدول شماره یک CPI و BPI را سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ برای ۲۱ کشور را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۹ سه کشور سوئد، کانادا و سنگاپور با رقم ۹/۹، ۱/۹، ۲/۴ در بین ۲۱ کشور پاک‌ترین کشورها و کشور روسیه با رقم ۲/۴ در بین ۲۱ کشور مقام آخر را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۰ سه کشور سنگاپور، سوئد و کانادا باز هم در بین کشورهای مورد بررسی در مقام اول تا سوم در ردیف پاک‌ترین کشور قرار گرفتند و مانند دوره قبل کشور روسیه با رقم ۲/۳ به عنوان بیشترین فساد در شاخص CPI در این بین معرفی شده است. از طرف دیگر شاخص BPI در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲ نشان‌دهنده پاک بودن کشورهای سوئد، استرالیا، کانادا، سوئیس و اتریش است و بازهم بالا بودن فساد در روسیه را نشان می‌دهد. بنا بر همین ملاحظه می‌شود امروز از دو دیدگاه عرضه و تقاضا (CPI، BPI) فساد قابل اندازه‌گیری و محاسبه می‌شود و در بسیار از تحقیقات اقتصادی متغیر فساد به عنوان متغیر کمی وارد محاسبات و تحلیل‌ها می‌شود. به عبارت دیگر امروزه فساد یک متغیر کیفی نیست بلکه بر اساس روش‌های موردنظر سازمان بین‌المللی شفافیت به متغیر کمی تبدیل شده است.

1. Bride payers Index

جدول شماره ۱. شاخص CPI و BPI برای کشورهای مختلف جهان

CPI ۲۰۰۱	CPI ۱۹۹۹	BPI ۲۰۰۲	BPI ۱۹۹۹	نام کشور
۹	۹/۴	۸/۴	۸/۳	سوئد
۸/۹	۸/۷	۸/۵	۸/۱	استرالیا
۸/۹	۹/۲	۸/۱	۸/۱	کانادا
۷/۸	۷/۶	۸/۲	۷/۸	اتریش
۸/۴	۸/۹	۸/۴	۷/۷	سوئیس
۸/۸	۹	۷/۸	۷/۸	هلند
۸/۳	۸/۶	۶/۹	۷/۲	انگلستان
۶/۶	۵/۳	۷/۸	۶/۹	بلژیک
۷/۴	۸	۶/۳	۶/۲	آلمان
۷/۶	۷/۵	۵/۳	۶/۲	آمریکا
۹/۲	۹/۱	۶/۳	۵/۷	سنگاپور
۶/۷	۶/۶	۵/۸	۵/۳	اسپانیا
۶/۷	۶/۶	۵/۵	۵/۲	فرانسه
۷/۱	۶	۵/۳	۵/۱	ژاپن
۵	۵/۱	$\frac{3}{4}$	۳/۹	مالزی
۵/۵	۴/۷	$\frac{1}{4}$	۳/۷	ایتالیا
۵/۹	۵/۶	۳/۸	۳/۵	تایوان
۴/۲	۳/۸	۳/۹	۳/۴	کره جنوبی
۳/۵	۳/۴	۳/۵	۳/۱	چین
۷/۹	۷/۷	۳/۴	-	هنگ کنگ
۲/۳	۲/۴	۳/۲	-	روسیه

مأخذ: www.Transparency.org

در خصوص بررسی فساد و شاخص‌های مربوط به آن و بر تقسیم‌بندی کشورهای از طریق سازمان بین‌المللی شفافیت بر اساس جدول شماره (۲) که از بین ۱۳۳ کشور جهان کشورهای فنلاند، ایسلند، دانمارک، زلاندنو، سنگاپور و سوئد پاک‌ترین کشورهای و میانمار، پاراگوئه، هائیتی، نیجریه و بنگلادش فاسدترین کشورها از لحاظ پرداخت رشوه^۱ و اختلاس هستند.

سازمان بین‌المللی «شفافیت» در آخرین گزارش خود که در هفتم اکتبر (شانزدهم مهرماه) منتشر کرد کشور ایران را از لحاظ فساد اقتصادی در بین ۱۳۳ کشور در رتبه ۷۸ قرار داد.

پیتراگین، سرپرست سازمان بین‌المللی شفافیت در ارتباط با انتشار این گزارش اظهار داشت: «شاخص جدید فساد اشاره به این نکته دارد که در کشورهای ثروتمند همانند کشورهای فقیر فساد اقتصادی در سطوح بالا وجود دارد. به همین خاطر کشورهای توسعه‌یافته باید بنگاه‌های بین‌المللی را مجبور کنند تا برای جلوگیری از پرداخت رشوه، معاهده‌های بین‌المللی را مراعات کنند و بازرگانان نیز تعهد کامل به معاهده ضد رشوه مصوب کشورهای (OECD) داشته باشند». در عین حال او افزود: «امتیاز ۹۰ درصد کشورهای در حال توسعه در شاخص فساد سازمان بین‌المللی شفافیت زیر نمره ۵ بوده است». شاخص نمره ۱۰ پاک‌ترین کشور و نمره صفر فسادپذیرترین کشور است.

به گفته آگین «دولت‌های کشورهای در حال توسعه باید برای مبارزه با فساد برنامه‌های جامع و هدفمندی را پیاده کنند، اما آن‌ها همچنین در پاسخ به استراتژی‌های ملی مبارزه با فساد نیازمند کمک‌های فوری عملی هستند».

برای اینکه این استراتژی‌ها موفق شوند آگین گفت: «هر حمایتی باید با همکاری و پشتیبانی بین‌المللی باشد. کشورهای کمک‌کننده و نهادهای مالی بین‌المللی باید کمک‌های مالی خود را که باعث فساد دولت‌ها می‌شود متوقف کنند و اسامی بنگاه‌های بین‌المللی را که رشوه می‌پردازند در سطح جهان منتشر کنند».

۱. پرداخت پول یا اموال دیگر از طرف فرد مراجعه‌کننده به کارمندان ادارات که مکلف به ارائه خدمات اداری به مردم هستند، و حتماً منجر به فساد ادارات خواهد شد، عملی است که از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود؛ و ترهّم اضطرار، مجوز او در انجام این کار نیست. همچنین در خصوص مسئله شرعی رشوه برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: صفحات ۲۷۴ س (۱۲۴۸ و ۱۲۴۹) رساله شرعی مقام معظم رهبری.

سرپرست سازمان بین‌المللی شفافیت توضیح داد: «در بین ۱۳۳ کشور مورد بررسی ۷۰ درصد کشورهایی که نمره کمتر از ۵ دارند، فساد در بین سیاستمداران و مقامات آن‌ها نفوذ کرده است و ۵۰ درصد کشورهای در حال توسعه‌ای که نمره کمتر از سه دارند، سطح بالایی از فساد را دارد هستند».

«لارنس گرافت» سرپرست بخش انگلستان سازمان بین‌المللی شفافیت در ارتباط با شاخص‌های جدید فساد می‌گوید: «این شاخص امروزه این نکته را بیان می‌کند که فقط کشورهای فقیر نیستند که فساد در آنجا بیداد می‌کند، سطح فساد در کشورهای اروپایی مانند یونان و ایتالیا و در کشورهای با ذخایر بالای نفتی مانند نیجریه، آنگولا، آذربایجان، اندونزی، قزاقستان، لیبی، ونزوئلا و عراق بشدت نگران‌کننده است».

به گفته گرافت «برای اینکه این وضعیت برگردد به طوری که افراد عادی در ثروت نفت کشورشان سهیم شوند، این سازمان همراه با سازمان‌های غیردولتی از تمامی بنگاه‌های بین‌المللی نفتی خواسته است که پرداخت به دولت‌ها و شرکت‌های دولتی نفتی را منتشر کنند. این کار شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی، کشورهای نیجریه، آنگولا، عراق، اندونزی و قزاقستان را قادر خواهد ساخت تا تصویر شفاف‌تری از درآمدهای دولت داشته باشند. به طوری که بتوانند از دولت‌های خود حساب پس بگیرند تا درجایی که بودجه‌های دولتی هزینه نمی‌شوند به جای آنکه ناپدید شوند و به سمت طرح‌های گران‌قیمت و بدون بازده و یا حساب‌های مخفی سیاست‌مداران و مقامات عمومی بروند در بهینه‌سازی منابع کمیاب استفاده شوند».

او با اشاره به این نکته که «احزاب سیاسی، دادگاه‌ها و پلیس به عنوان سه ناحیه‌ای که نیازمند بیشترین اصلاحات هستند» افزود: «این نشان می‌دهد که در این نواحی فقدان کامل اعتماد وجود دارد».

۷. آثار فساد در کشورهای صنعتی

فساد در کشورهای صنعتی نیز اتفاق می‌افتد جان سون^۱ اشاره می‌کند. در آفریقا فساد شدیداً پیشرفت‌های ملی، اجتماعی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به واقع فساد اغلب به فروپاشی

ملی منجر می‌شود. از جمله طبق شواهدی که راجع به کشور زئیر و سومالی وجود دارد در کشوری که دادن امتیاز به خویشاوندان منجر به سقوط خودشان شد. مثال‌های دیگری نیز شامل فروپاشی رژیم مارکوس و فیلیپین شد. فروپاشی اخیر در ساختارهای ایالتی در آلبانی نیز چنین است؛ و فروپاشی ممتد دولت در پاکستان در چند سال اخیر نیز از جمله این ماجرا است.

در آفریقا تقریباً هر تغییری که در دولت ایجاد می‌شود، چه دیکتاتور و یا چه صلح‌گرا توسط گروگان‌ها برای محو کردن دولت‌های فساد جریانی پیدا کرده است. فساد اقتصاد را از طریق دست دادن و عدم تخصیص منابع غیرکارا خواهد کرد.

در این کشورها نیازهای اساسی شهروندان اعم از غذا، سرپناه سلامتی، آموزش مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. علاوه بر این فساد یک نیاز مصنوعی برای کمک‌های خارجی جهت جبران و حمایت‌ها و عوارض جانبی آن است. فساد عدم مدیریت و عدم احساس مسئولیت برای منابع ملی را به وجود می‌آورد. برای به وجود آوردن این نیازها فساد حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی را به تأخیر می‌اندازد. به عنوان یک نتیجه مفاهیم و شرایط خدمات برای کلیه کارگران از بین می‌رود؛ و اکثریت جمعیت یک کشور آسیب می‌بینند. اگر آفریقا قرار است که به میزان بیشتری پیشرفت بکند باید فساد تا حد قابل قبولی مهار کند. این همان موضوعی است که آقای جان سون به عنوان تعادل در کاهش فساد نام می‌برد.

۸. روش‌های مبارزه با فساد در کشورهای مختلف

عوامل بازدارنده فساد اداری به دو گروه تقسیم می‌شود. یک گروه عبارت است از مجموعه اقداماتی که نهادهای دولتی نظیر سازمان‌های بازرسی و حسابرسی برای مبارزه با فساد اداری انجام می‌دهند. گروه دیگر مجموعه نهادها، قوانین و محدودیت‌هایی است که جامعه بر مجموعه دولت تحمیل می‌کند و مانع سوءاستفاده سیاست‌مداران و کارمندان از منابع دولتی می‌شود. نمونه بارز این نهادها مطبوعات آزادی و آزادی فعالیت سیاسی است که سبب می‌شود یک حزب مخالف برای نظارت و افشای فساد اداری دولت، انگیزه و آزادی عمل داشته باشد. در بحث روش‌های مبارزه با فساد اداری می‌توان به بعضی از روش‌های مؤثر اشاره کرد.

۱. اصلاح ساختار نظام اداری و اقتصادی؛

۲. مقررات زدایی و خصوصی‌سازی؛

۳. احیای اخلاق؛
۴. نظارت بر ثروت، مصرف و سطح زندگی کارمندان دولت در بخش‌های اداری و اقتصادی؛
۵. جلوگیری از فساد استخدامی؛
۶. پاک‌سازی گروهی و جمعی نظام اداری؛
۷. ایجاد نهادهای مستقل و دائمی برای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی؛
۸. سیاست‌زدایی نظام اداری و اقتصادی؛
۹. تشویق کارمندان و شهروندان به ارسال اطلاعات و افشاگری؛
۱۰. آزادی و مصونیت مطبوعات در ارائه گزارش و افشاگری فساد اداری و اقتصادی؛
۱۱. آموزش مدیران دولتی در مورد فساد اداری و مالی؛
۱۲. حساب‌کشی و پاسخگویی در بخش عمومی به خصوص شرکت‌های وابسته به دولت؛
۱۳. افزایش حقوق و مزایای کارمندان دولت.

۹. نهادهای مستقل و دائمی برای مبارزه با فساد در کشورهای مختلف جهان

بسیاری از کشورهای به منظور کشف و پیگیری و مبارزه با فساد اداری ادارات جداگانه و اکثراً مستقلی ایجاد کرده‌اند. در برخی کشورها این ادارات هیچ‌گونه وابستگی اداری و مالی به قوه مجریه و حتی اداره پلیس ندارند و کاملاً مستقل عمل می‌کنند. در سایر کشورها ادارات مبارزه با فساد در درون اداره پلیس و یا شهرداری‌ها تشکیل شده‌اند. چرا دولت‌ها با فساد اداری مانند سایر قانون‌شکنی‌ها برخورد نمی‌کنند و برای رویارویی با آن نهادهای جداگانه‌ای ایجاد می‌کنند؟

دو دلیل مهم برای این اقدام وجود دارد. اولاً تخلفات اداری در برخی موارد بسیار پیچیده هستند و کشف آن‌ها به تخصص‌های ویژه‌ای نیاز دارد. وجود یک اداره مستقل برای مبارزه با فساد سبب انباشت تجربه و تخصص‌های موردنیاز می‌گردد و در نتیجه به مرور زمان کارایی این واحد در امر مبارزه با فساد افزایش می‌یابد. ثانیاً استقلال این ادارات جلوی اعمال نفوذ مسئولین در تحقیقات آن‌ها را خواهد گرفت. بدون استقلال کافی این نهادها، مبارزه با فساد در رده‌های بالای دولت ناموفق خواهد بود. در عین حال حتی در مواردی که این ادارات زیر نظر قوه مجریه فعالیت می‌کنند فعالیت‌های آن‌ها در راه تجسس و جمع‌آوری و اطلاعات نقش مهمی را در کشف موارد فساد ایفا می‌کند.

مسئولیت و اهداف اداره‌های ضد فساد از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. در شهرداری‌های آمریکا این مراکز علاوه بر فعالیت‌های تجسسی و کشف فساد به بررسی نقاط ضعف دستگاه‌های اداری از نظر فسادپذیری نیز می‌پردازند و هر سال خطر بروز فسادهای مختلف را با توجه به روش‌های اداری موجود مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در آمریکا همچنین از روش دام‌گذاری برای کارمندان دولت و سیاست‌مداران، بیشتر از سایر کشورها استفاده می‌شود. در کشورهای سنگاپور و هنگ‌کنگ ادارات ضد فساد به منبع درآمد و الگوی مصرف کارمندان دولت، توجه خاصی نشان می‌دهند. در هندوستان این ادارات موارد خرده فساد (فساد در سطوح پایین کارمندی) را عملاً نادیده می‌گیرند و توان خود را برای مبارزه با فساد سیاسی و فساد مدیران عالی‌رتبه صرف می‌کنند. امروزه ادارات و مراکز مبارزه با فساد اداری در برخی از کشورها در جهت مبارزه با فساد تشکیل گردیده است که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد:

۹-۱. هندوستان

به منظور جمع‌آوری اطلاعات در مورد فساد اداری کمیسیونی به نام کمیسیون مرکزی حراست^۱ در سال ۱۹۶۴ تشکیل گردید. این کمیسیون در کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی شعبه دارد و پس از بررسی موارد قابل پیگیری را به یک دایره ویژه در اداره پلیس به نام اداره مرکزی تحقیقات^۲ ارجاع می‌دهد. اداره مرکزی تحقیقات پس از انجام تحقیقات و جمع‌آوری مدارک پرونده‌های فساد را برای پیگیری قانونی به مراکز قضایی می‌فرستد.

۹-۲. هنگ‌کنگ

کمیسیون مستقل علیه فساد^۳

این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ در عکس‌العمل به گسترش فساد در سطوح بالای اداره پلیس آن کشور تأسیس گردید و کاملاً مستقل از اداره پلیس عمل می‌کند. این کمیسیون دارای واحدهای پلیسی و تجسسی مستقل بوده و از اختیارات زیادی برخوردار است.

1. Central Vigilance Commission
 2. Central Bureau of Investigation
 3. Independent Commission against Corruption

۳-۹. جمهوری خلق چین

از سال ۱۹۷۹ در داخل حزب کمونیست نهادهایی به نام کمیسیون‌های نظارت انضباطی^۱ ایجاد گردید. این کمیسیون‌ها در تمام سطوح فعالیت می‌کنند و موظفند با سوءاستفاده از منابع دولتی توسط مسئولین و کارمندان مبارزه کنند. عملکرد این کمیسیون‌ها در اثر تضادهای موجود بین حزب کمونیست و مراکز قضایی آسیب دیده است. مسئولین حزب در تحقیقات کمیسیون‌ها مداخله می‌کنند.

۴-۹. نیجریه

بعد از پاک‌سازی جمعی سال ۱۹۷۵ دولت «اباسانجو» در نیجریه دو نهاد مجزا برای رویارویی با فساد ایجاد کرد. اداره شکایات عامه^۲ برای رسیدگی به شکایات شهروندان از مظالم اداری و اداره بررسی اعمال فاسد^۳ برای تحقیق و رسیدگی به کلیه موارد فساد اداری ایجاد شده بودند. این نهادها موفق نبودند و پس از انتقال قدرت به دولت غیرنظامی در سال ۱۹۷۹ منحل شدند. به جای آن‌ها دو نهاد جدید به نام اداره رفتار اداری^۴ و دادگاه رفتار اداری^۵ تشکیل شد همراه با آیین‌نامه خاصی نیز برای رفتار اداری تنظیم گردید. یکی از وظایف مهم این نهادها رسیدگی به مشروعیت منابع ثروت و درآمد کارمندان دولت بود.

۵-۹. ایالات متحده آمریکا

در آمریکا پس از افشای ماجرای واترگیت و چند مورد سوءاستفاده‌های مالی در شهرداری شهرهای بزرگ این کشور بسیاری از ادارات دولتی به خصوص اداره تحقیقات فدرال (FBI) در فعالیت‌های شناسایی و مبارزه با فساد اداری درگیر هستند. در شهرداری نیویورک (و بسیاری شهرهای دیگر) دفتر ویژه‌ای به نام بخش تحقیقات^۶ ایجاد شده است که بر رفتار کارمندان دولت به آن‌ها رشوه پیشنهاد می‌کنند استفاده زیادی می‌شود.

1. Discipline Inspection Commissions
2. Public Complaints Bureau
3. Corrupt Practices Investigation Bureau
4. Code of Conduct Bureau
5. Code of Conduct Tribunal
6. Department of investigation

۹-۶. سنگاپور

در سال ۱۹۵۱ اداره بررسی اعمال فاسد^۱ تأسیس شد. این اداره به کلیه اسناد مالی دولتی و خصوصی دسترسی دارد و در طی سال‌های فعالیتش برخی از سیاستمداران بانفوذ و مدیران عالی‌رتبه دولتی را به پای میز محاکمه کشانده است. در عین حال اداره مذکور بر رفتار و فعالیت‌های مالی کارمندان معمولی و رده پایین نیز نظارت دارد و به طور کلی نقش مهمی در مبارزه با فساد ایفا می‌کند.

۱۰. اهداف و فعالیت‌های اصلی در یک برنامه کلی ضد فساد

هدف برنامه‌ها و فعالیت‌های اصلی باید جلوگیری و مبارزه با پنج نوع فساد که در زیر به آن اشاره می‌شود باشد:

۱. مبارزه با فساد سیاسی و قانونی؛
۲. مبارزه با اختلاس و سوءاستفاده از بودجه دولت؛
۳. مبارزه با اخاذی و اجحاف کارمندان و مسئولین نسبت به بخش خصوصی؛
۴. مبارزه با سوء تخصیص و حق‌کشی در توزیع کالاها و خدمات دولتی (به‌خصوص محصولات شرکت‌های دولتی)؛
۵. مبارزه با دزدی و سوءاستفاده از اموال دولت.

برای نیل به این اهداف روش‌های فوق‌الذکر را می‌توان در قالب پنج گروه اصلی ارائه داد.

۱. ایجاد شفافیت اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های مالی و نحوه توزیع خدمات و محصولات دستگاه‌ها و مؤسسات وابسته به دولت به گونه‌ای که مردم و مسئولین به طور یکسان به این اطلاعات دسترسی داشته باشند.
۲. فعالیت‌های تجسسی به منظور شناسایی موارد فساد اداری. این فعالیت‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- الف) بررسی‌های آماری در مورد رعایت عدالت و ضابطه در توزیع خدمات و امکانات دولتی؛
- ب) تحقیقات نیروهای اطلاعاتی و انتظامی در مورد افراد و نهادهای مظنون به فساد؛
- ج) راهکارهای لازم برای شناسایی کارمندان و سیاستمداران فسادپذیر.

1. Corrupt Practices Investigation Bureau

۳. ایجاد مراکز مستقل رسیدگی به شکایات مردم از مراجع دولتی؛
۴. ایجاد شرایط مناسب برای حساب کشی دموکراتیک؛
۵. مطالعه و ارزیابی مستمر هزینه و عملکرد فعالیت‌های ضد فساد در کلیه سطوح دولت.

۱.۱. خلاصه نتیجه گیری و پیشنهادها

در دنیای کنونی آنچه که برای افزایش و وجود فساد با همه ارکان و ابعاد آن قابل تصور است فعالیت‌های دولت و دستگاه‌های اجرای در امور اقتصادی چون مسئله مالیات‌ها، عوارض گمرکی و یا اجرای پروژه‌های ملی در کشور توسط دولت و عدم وجود قوانین شفاف و ساده در خصوص تنظیم فعالیت‌های بخش خصوصی و پیچیدگی این قوانین است. به نظر می‌رسد وجود انحصار در بخش اقتصادی، که خود نمونه‌ای از ایجاد رانت‌ها و فساد اقتصادی است در اقتصاد همه کشورها و به خصوص کشور خودمان یک مسئله بسیار مهم تلقی می‌شود.

مبارزه با مفاسد اقتصادی، بحث جدی همه اقتصادهای روبه رشد است، چراکه در این گونه اقتصادها، حرکت سریع به سوی اهداف بلندمدت و امتیازاتی که برای درگیر شدن بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی اعطا می‌شود، سبب ایجاد چالش‌های در رفتار قانونمند مؤسسات اقتصادی که طبیعتاً به دنبال سود بیشتری در فعالیت‌های خود هستند، می‌شود.

طبیعی است که در چنین اوضاعی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، به مثابه گذر کردن از لبه تیغ است، چراکه از سویی، چنانچه مبارزه با مفاسد اقتصادی انجام نپذیرد، بیماری‌های اقتصاد رنجور، روز به روز مزمن‌تر و ریشه‌دارتر می‌شود و اگر مبارزه به شکل غیرمنطقی انجام شود، باعث ترس سرمایه‌گذاران و برهم خوردن نظام امنیت سرمایه‌گذاری می‌شود.

به نظر من خطرناک‌ترین وجه مبارزه با مفاسد اقتصادی در هر کشور، استفاده سیاسی و جناحی کردن از جریانی است که به طور طبیعی در هر کشور دنبال می‌شود. چراکه مبارزه با مفاسد اقتصادی، مثل مبارزه با تمام شاخه‌ها و وجود بزهکاری‌های اجتماعی، لازم و ضروری است و به روال عادی باید همواره در جریان باشد. مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور طبیعی، مبارزه‌ای اجتماعی در جهت رفع نوعی بزهکاری است که نباید به جناح‌بندی‌های سیاسی آمیخته شود.

حرکت اقتصادی ایران به سوی توسعه که طی چندساله اخیر، با وجود مشکلات فراوان، روند رو به رشدی به خود گرفته است، به طور طبیعی به تشدید برخی ناملایمات اقتصادی و بزهکاری‌های

اقتصادی در کنار خود، دامن می‌زند. این روند، گرچه غیرقابل کنترل نیست، اما به دلیل پیچیدگی موضوع حل آن بسیار دشوار به نظر می‌رسد و هرگونه بی‌دقتی و حرکت‌های تخریبی سیاسی می‌تواند ریشه‌های اقتصاد متزلزل و ناتوان کشور را بیش از پیش بلرزاند و فرو بریزد.

برخوردهای سطح که گاهی برخی رسانه‌های با موضوع مفاسد اقتصادی دارند به نظر من نه تنها کمکی به روند مبارزه با مفاسد اقتصادی نمی‌کند، بلکه همواره باعث لو رفتن بخشی از جریان تحقیق از یک طرف و ردم کردن و محو شدن ریشه‌های بسیاری از مفاسد اقتصادی از طرف دیگر شده است و به برخی سوءاستفاده‌کنندگان این امکان را داده است که از رهگذر طرح مباحث فرعی، بار خود را به گونه‌ای دیگر بریندند و جریان فساد را طور دیگر وانمود کنند.

تأکید مقام معظم رهبری را بر اهمیت مبارزه درست با مفاسد اقتصادی، در حقیقت می‌توان نقدی بر کارنامه چندین و چندماهه این مبارزه دانست. ایشان در کنار تأکید بر آثار زیان‌بار عدم برخورد جدی با فساد اقتصادی، یادآور می‌شوند که تبلیغات در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی باید صحیح، جدی، پیگیر، هدایت شده و بر اساس عقل و تدبیر باشد.

اهمیت این موضوع چنان است که ایشان، تأکید می‌کنند که حتی قضات با ویژگی‌های مشخصی عهده‌دار رسیدگی به این پرونده‌ها باشند و به این ترتیب قوه قضاییه را از لغزش‌های احتمالی، بی‌تدبیری و کم‌تجربگی قاضی، بیم می‌دهند و تأکید می‌کنند که چنین مبارزه‌ای باید بدون هیچ‌گونه تبعیضی، به طور مشخص با اولویت مبارزه با دانه‌درشت‌ها صورت پذیرد.

با تأکید بر این اصل که نباید در مبارزه با مفاسد اقتصادی جامعه را دچار تلاطم کرد باید مطالب پرونده‌ها مفسدین اقتصادی قبل از پایان مراحل بررسی و تحقیق نباید انعکاس یابد تا به این ترتیب از هرگونه جنجال‌آفرینی و شتاب‌زدگی در این مرحله خودداری شود. به نظر محقق اصل مهم در مبارزه با مفاسد اقتصادی، تأکید بر این نکته است که اقتصاد کشورمان تنها در شرایطی می‌تواند روی پای خود در مسیر توسعه و رشد پایدار گام بردارد که زمینه و جرأت سرمایه‌گذاری و فعالیت سالم اقتصادی در کشور فراهم شود و راه دیگری برای رسیدن به این هدف وجود ندارد و از همین رو، هرگونه حرکت نسنجیده در مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌تواند پیامدهای بسیار تلخی را به اقتصاد کشور تحمیل کند. می‌توان گفت که معیار و شاخص تعیین فساد از صلاح، فقط و فقط قانون است، قانونی که مستقل از اراده شخص یا گروه باشد. این قانون باید از طریق مجلس تصویب شده

باشد، مجلسی که آزادانه شکل گرفته شود و اراده‌های شخصی یا گروهی نتواند در شکل‌گیری آن نقش داشته باشد، مرجع تشخیص فساد دادگستری است، که تمامی ارکان و اعمال آنان نیز به وسیله دیگر قضات مستقل زیر ذره‌بین و نظارت است. در چنین نظامی تمامی آحاد جامعه در برابر قانون مساوی هستند، افکار عمومی چون خود تشکیل‌دهنده مجلس بود مصوبات آن را محترم می‌شمارد و چون دادگستری مستقل و مورد احترام است و بهترین و شریف‌ترین افراد جامعه لباس قضاوت را به تن کرده‌اند، احکام آن فصل‌الخطاب بوده و مردم آن را به دیده منت می‌نگرند، تبرئه‌شدگان چنین دستگاهی از نظر مردم مجرم نیستند و محکوم‌شدگانش را مردم مجرمند و او را طرد می‌کنند. حال دریک جامعه معین به هر میزانی که از این اوضاع انحراف و اختلال است، هم مفهوم فساد در چنین وضعی مخدوش است و هم مبارزه با آن دچار انحراف و آسیب است. هدف اصلی اصلاحات اقتصادی، ایجاد بازارهای رقابتی و برطرف کردن عوامل نوسان در قیمت‌ها است. تا از این طریق فضای مه‌آلود تیره اقتصادی جای خود را به شفافیت دهد و کارایی اقتصادی جای رفتارهای نامعقول، فرصت‌طلب و غیره را بگیرد. دخالت‌های دولت مهم‌ترین عامل گل‌آلود شدن آبی است که رانت‌خواران و انحصارگران در آن ماهی می‌گیرند. بنابراین حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های قیمت‌گذاری عامل مهمی در ایجاد فساد اقتصادی و اداری است کاهش تصدی دولت در امور اقتصادی باعث کاهش فساد اقتصادی است. در خصوص مسئله افزایش شدید نقدینگی و ایجاد فساد اقتصادی باید بیان کرد که در سال ۱۳۸۵ میزان نقدینگی به ۴۰ درصد رسیده است و ادامه این روند در سال ۱۳۸۶ به میزان ۴۰/۴ درصد ضمن اینکه اثر تورمی شدیدی را در اقتصاد ایران به وجود خواهد آورد در افزایش رشد اقتصادی که کلید توسعه اقتصادی است نیز مؤثر نبوده است. به این دلیل که بخشی زیادی از نقدینگی کشور در امر تولید و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت و بخش خصوصی و بخش قابل توجهی نیز به خارج از محدوده و حیطه تولید اختصاص پیدا کرده است. این نقدینگی سرگردان که در اقتصاد غیرمولد تلقی می‌شود، مطمئناً بر بازارهای مختلف اثرگذار خواهد بود؛ و عامل اصلی در ایجاد رانت اقتصادی و افزایش فساد در اقتصاد کشور می‌شود. نکته مهمی که در افزایش اشتغال می‌تواند مؤثر باشد، واگذاری فعالیت‌های اقتصادی و کاهش تصدی‌گری دولت در امر تولید و اداره بنگاه‌های اقتصادی است. اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به بیانی، آغاز تحولی جدید در نظام اقتصادی کشور خواهد بود. این تحول جدید

می‌تواند منشأ توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی، بهبود تولید و افزایش کارایی و بهره‌وری در اثربخشی اقتصاد ملی شود. افزایش کارایی نظام اقتصادی نیز می‌تواند اثر مثبتی بر متغیرهای اقتصاد کلان بر جای بگذارد و عامل اساسی در جلوگیری و کاهش فساد اقتصادی باشد. انتظار می‌رود در سال ۸۶، با رعایت اصل تمرکززدایی در اقتصاد توسط دولت، اقتصاد بخش خصوصی و تعاونی از پویایی خوبی برخوردار شوند. مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد کشور در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، افزایش هزینه‌های دولت و رشد کسری بودجه می‌باشند. که می‌تواند به ایجاد فساد و عدم تحقق توسعه اقتصادی کمک کند. در این خصوص، دولت باید در راستای کاهش هزینه‌های جاری و نظام‌مند و هدفمند کردن یارانه‌ها به خصوص یارانه حامل‌های انرژی گام بردارد تا میزان کسری بودجه خود را که در سال‌های اخیر افزایش یافته، کاهش دهد؛ به‌ویژه اینکه به نظر می‌رسد در سال ۸۷ هزینه‌های دولت افزایش یابد. دولت باید مسئله یارانه‌های انرژی را به جد حل کرده و با به‌کارگیری و اتخاذ راهبردها و سیاست‌های مناسب و منطقی، از رشد مستمر مصرف بنزین و سایر حامل‌های انرژی در کشور جلوگیری کند. جراحی اقتصادی که مد نظر ریاست محترم جمهوری در سال ۱۳۸۷ است می‌تواند به کنترل فساد در همه ابعاد آن کمک دوچندان نماید. در این راستا، اجرایی نمودن تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۸۵ می‌تواند یکی از برنامه‌های ضروری دولت تلقی شود. دولت در بودجه سال ۱۳۸۷، سطح بودجه تملک‌داری‌های سرمایه‌ای را بین ۷۰ تا ۸۰ درصد و هزینه‌های جاری دولت را تا حدود ۲۱ درصد افزایش داده است. اما افزایش هزینه‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای باید با کارایی در اتمام به‌موقع پروژه‌های عمرانی همراه باشد. سهم درآمدهای مالیاتی از بودجه کشور باید بنا بر ضرورت تأمین مخارج دولت افزایش پیدا می‌کرد در حالی که سهم مالیات‌ها از بودجه سال ۱۳۸۷ ۴۱ درصد است بیشتر منابع تأمین بودجه کشور درآمدهای نفتی است که حدود ۵۸ درصد در سال آینده رسیده است بنابراین در راستای جلوگیری از فساد در اقتصاد و حرکت به سمت توسعه اقتصادی باید دولت از بودجه تصویب‌شده نهایت استفاده را بکند؛ و در راستای افزایش رشد اقتصادی کشور و پویایی اقتصاد ملی گام بردارد. به نظر می‌رسد تسریع در انجام پروژه‌های عمرانی، خود نوعی کاهش هزینه در راستای جلوگیری از ایجاد فساد اقتصادی به حساب می‌آید. متأسفانه تأخیر در انجام پروژه‌های ملی و منطقه‌ای، هزینه‌های زیادی را بر اقتصاد

کشور تحمیل نموده است. بنابراین دولت باید ضمن تأمین اعتبار به موقع پروژه‌ها، بر اجرای آن‌ها نظارت داشته باشد تا پروژه‌ها در زمان تعیین شده به اتمام برسند.

منابع

- اسلام و توسعه، پژوهشکده فرهنگ و معارف مجموعه مقالات چاپ اول ۱۳۸۲، تهران: چاپخانه زیتون.
- حبیبی، نادر (۱۳۷۵). *فساد اداری عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه با فساد*. مؤسسه فرهنگی انتشارات وثقی تهران.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲)، *اجوبه الاستفتانات*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه*، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین خطبه‌ها و نامه‌های حضرت امیر (ع)، قم.
- روزبهان، محمود (۱۳۸۱). *مبانی توسعه اقتصادی*، انتشارات تابان، چاپ ششم، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات قانون بودجه سنواتی کشور در سال‌های مختلف.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی ... جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)».
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۵۷)، *اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز*، تهران: انتشارات وثقی.
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۶۶). «ظهور و افول علم اقتصاد توسعه»، *مجله برنامه و توسعه*، شماره ۹، بهار.
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۶)، *اقتصاد معاصر، رشد، بحران و استراتژی‌های اقتصادی*، تهران: انتشارات سروش.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶)، *سیر اندیشه اقتصادی*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم.
- محنت‌فر، یوسف (۱۳۸۷). «فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی». همایش اقتصاد اسلامی و توسعه. مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.

– نصیری، حسین (۱۳۷۹)، توسعه پایدار چشم‌انداز جهان سوم، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.